

### آیه امانت

مدیر مسئول

بیش از هزار و چهارصد سال از نزول آیه ۷۲ سوره احزاب<sup>۱</sup> می گذرد. در این مدت، همواره بحث‌های مهمی بین مفسرین، پیرامون این آیه مطرح شده و برخی آیه را از تشابهات شمرده‌اند که وما يعلم تأویله الا الله والراسخون فی العلم<sup>۲</sup>. در این مقال کوتاه به چند نکته، اشاره می شود. اولین نکته، ارتباط صدر و ذیل آیه است، صدر آیه، سخن از بار سنگین امانت است که آسمان و زمین و کوه‌ها از پذیرش آن اباء کردند ولی انسان، آن را به دوش کشید و این مدح انسان است اما جمله پایانی آیه، **انه کان ظلوماً جهولاً** در نگاه اول تصور می شود، در مقام ذمّ انسان بیان شده، اما با کمی دقت، یکدست بودن آیه مشخص می شود، درست مثل این است که پسری شش ساله در محضر پدرش، سخنی بگوید که پختگی سخن مردی کامل را داشته باشد، آن قدر پدر به وجد می آید که می گوید: **قاتلک الله؛** خدا تو را بکشد این جمله هرگز در مقام ذم پسر نیست بلکه از هزاران مدح گویاتر است. **انه کان ظلوماً جهولاً** نیز از این باب است، بنابراین صدر و ذیل آیه کاملاً مرتبط و یکجا در مقام مدح نوع انسان، بیان شده است.

دومین نکته، در مورد اباء آسمان و زمین و کوه‌ها است که باید توجه داشت، این اباء استدلالی است نه اباء استکباری از جنس اباء ابلیس در سجده بر آدم که **ابی و استکبر و کان من الکافرین**<sup>۳</sup> در حقیقت، آسمان و زمین و کوه‌ها از روی تواضع و خشوع عرض کردند؛ ما صلاحیت و لیاقت

پذیرش این امانت را نداریم.

سومین نکته در مورد حقیقت امانت است. برخی گفته اند: منظور از امانت، تکلیف است که خداوند، ابتدا آن را بر زمین و آسمان و کوهها عرضه کرد و آنها از روی تواضع، خود را شایسته پذیرفتن تکلیف ندانستند ولی انسان در خود، لیاقت پذیرش آن را دید و آن را پذیرفت.

برخی گفته اند منظور از امانت، قرآن است که شامل تکلیف هم می شود، این گروه برای اثبات نظریه خود به آیه لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعاً متصدعاً من خشية الله<sup>۴</sup> تمسک جستند، کوهها، تاب تحمل قرآن را ندارند: نزل به الروح الامین علی قلبك<sup>۵</sup>

ملای رومی می گوید: منظور از امانت، اختیار است، انجام تکلیف و عمل به قرآن، وقتی محقق می شود که انسان اختیار داشته باشد:

این که گوئی این کنم یا آن کنم خود دلیل اختیار است ای صنم  
در بین مخلوقات پروردگار، انسان است که با اراده و آزادی می تواند راه خود را انتخاب کند و زمین و آسمان این اختیار را ندارند.

مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر المیزان می فرماید: منظور از این امانت، ولایت کلیه الهیه است و در توضیح نظر خود می فرماید: ریشه اختیار به توان برمی گردد، آن توانی که خداوند در نهاد انسان به ودیعت گذاشته که می تواند این کند یا آن کند، این توان، امانتی است که زمین و آسمان آن را ندارند. سپس، روایت جالبی را از امام صادق علیه السلام نقل می کند و برداشت جالب تری هم ارائه می دهد:

از امام صادق (ع) سؤال کردند منظور از امانت در آیه چیست؟ حضرت فرمود ولایت علی ابن ابیطالب. مرحوم علامه می فرماید: ولایت دو بعد دارد، فاعلی و قابلی. در اینجا، منظور بعد فاعلی ولایت است نه قابلی چون زمین و آسمان و کوهها، ولایت علی بن ابیطالب را پذیرفته اند انا عرضنا الامانة... یعنی، ما این ولایت را به آسمانها و زمین و کوهها عرضه نمودیم و آنها، استعداد و زمینه پذیرش آن را نداشتند ولی انسان کامل که مصداق اعلائی آن امیرالمؤمنین است، آن را پذیرفت و در وجود مولا، این ولایت به فعلیت رسید ولی در دیگر انسانها، بالقوه است. انسان می تواند با این ولایت، زمین و آسمان و کوهها را مسخر خود کند.

برخی گفته اند، منظور از امانت، همان روحی است که از سوی خدا به آدم دمیده شد و نفخت فیه

من روحی<sup>۶</sup> روح الهی، امانت است که پس از نفع آن، آدم مسجود فرشتگان شد و این روح الهی حقیقت امانت است که در نهاد بشر به ودیعت گذاشته شده که در لسان عرفا و حکما به «نفس» تعبیر می‌شود لذا فرموده‌اند:

من عرف نفسه فقد عرف ربه<sup>۷</sup> یعنی هرکس آن روح الهی را بشناسد خدایش را شناخته است. ضمن ارادت و احترام به همه مفسرین بزرگ و نامدار قرآن که پنج نظریه فوق را ارائه فرموده‌اند، راقم این سطور می‌خواهد با تکیه بر سیاق آیه قول ششمی را مطرح کند و آن، این است که: منظور از امانت، خود امانت است، در بین مخلوقات پروردگار تنها انسان، امانت را پذیرفت و تنها انسان است که ظرفیت پذیرفتن امانت را دارد و اهل امانت است.

#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - انا عرضنا الامانة على السموات والارض والجبال فأبين أن يحملنها واشفقن منها و حملها الانسان انه كان ظلوماً جهولاً
- ۲ - آل عمران / ۷
- ۳ - بقره / ۳۴
- ۴ - حشر / ۲۱
- ۵ - شعرا / ۱۹۳
- ۶ - حجر / ۲۹
- ۷ - غررالحکم آمدی / ص ۶۲۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی